



## سیر تحول فلسفه تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران

مهدی نادری<sup>1</sup> ابوالفضل غفاری<sup>2</sup>، محمدرضا آهنچیان<sup>3</sup>، علی اصغر خالقی<sup>4</sup>

<sup>1</sup> دانشجوی دوره دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد

<sup>2</sup> گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد (نویسنده مسئول) ghaffari@um.ac.ir

<sup>3</sup> گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد

<sup>4</sup> گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران

### چکیده

### اطلاعات مقاله

از آنجا که روشن نبودن فلسفه تربیت و ابعاد مختلف آن، از جمله تربیت حرفه‌ای، یک خلاء در هر نظام آموزشی محسوب می‌شود، هدف این مقاله، شناخت فلسفه تربیت حرفه‌ای و تبیین سیر تحول آن در ایران معاصر (از زمان تأسیس دارالفنون، تاکنون) است. جهت رسیدن به این هدف، محقق سعی نموده تا با رویکرد فلسفی و با روش تحلیلی استدلالی سیر تحول فلسفه تربیت حرفه‌ای در ایران معاصر را مورد بررسی قرار داده تا ضمن بیان چالش‌ها و مسائل موجود به ارائه پیشنهادها برای لازم در این خصوص بپردازد. برای تحقق این هدف، با بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی، اسناد آموزش و پرورش مورد مطالعه قرار گرفته است. بررسی میانی فلسفی نظام آموزشی قبل و بعد از تأسیس جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که روح حاکم بر فلسفه تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران، متأثر از چند مشرب فلسفی شامل مکاتب، رئالیسم، پراگماتیسم، لیبرالیسم و ناتورالیسم و سودگرایی است که در برخی از مبانی ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی، با فلسفه تربیتی اسلامی تفاوت دارند.

مقاله علمی - پژوهشی

دریافت:

پذیرش:

واژگان کلیدی:

فلسفه

تربیت حرفه‌ای

نظام آموزشی ایران

## The evolution process of the vocational education philosophy in Iranian education system

Abolfazl Ghaffari<sup>1</sup>, Mohammad Reza Ahanchian<sup>2</sup>, Ali Asghar Khallaghi<sup>3</sup>, Mahdi Naderi<sup>4</sup>

1- Educational Sciences Department, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, (Corresponding author), ghaffari@um.ac.ir

2- Educational Sciences Department, Faculty of Education and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad

3- Department of Educational Sciences, Humanities at Shahid Rajaei Teacher Education University

4- Ph.D. student of Philosophy of Education, Ferdowsi University of Mashhad

### ARTICLE INFORMATION

Original Research Paper

Received

Accepted

### Keywords:

Philosophy

vocational education

Iran education system

### ABSTRACT

As the philosophy of education and its different aspects such as vocational education is not so clear, and it is considered as a vacuum issue system of education, the purpose of this article is to understand the evolution of the philosophy of vocational education in Iran (from the establishment of Dar-al-Fonoon, up to now). To achieve this purpose, the researchers have studied the evolution of philosophy of vocational education in contemporary Iran through a philosophical approach and via logical-analyzed procedure. This is done to express challenges and current issues as well as representing required suggestions related to the issue. To achieve this purpose, the relevant documents have been studied by evidence analysis method. The study of philosophical foundation of education system in Iran before and after the establishment of Islamic republic indicates that the spirit of ruling over the vocational education in Iran's education system is affected by several philosophical streams including doctrines related to the realism, pragmatism, liberalism, naturalism, and mercantilism which are different from Islamic education philosophy in some axiological and epistemological foundations.

## 1. مقدمه

با وجود آن که در تاریخ آموزش و پرورش کشور به موضوع تربیت حرفه‌ای توجه شده است. درباره فلسفه تربیت حرفه‌ای به سند علمی معتبری برخورد نمی‌کنیم. به عبارت دیگر بررسی شواهد اولیه نشان داد که فلسفه تربیت حرفه‌ای در ایران به اندازه ارزش و حساسیتی که دارد مورد توجه قرار نگرفته است. برای مثال در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش [1] صرفاً به طور کلی توجه به تربیت حرفه‌ای را مهم شمرده است. در یک نگاه کلی شاهد آن هستیم که در دوره‌های زمانی مختلف با تصمیمات لحظه‌ای مسئولان، تربیت حرفه‌ای فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. در این فراز و نشیب‌های عمدتاً بدون پشتوانه منطقی، گاه نظام تربیت حرفه‌ای با انتقادات تندی نیز از سوی برخی از صاحب نظران تعلیم و تربیت کشور مواجه شده است، برای مثال خلأی بر این باور است که: تربیت حرفه‌ای در ایران در بستر تحولات اقتصاد داخلی و متناسب با نیازهای بومی شکل نگرفته است، بلکه از مقتضیات، تحولات و منافع اقتصادی و سیاسی غرب تبعیت کرده است [2].

اهمیت تربیت حرفه‌ای چنان است که یکی از پیش نیازها و پیش شرط‌های لازم برای رشد اقتصادی کشورها در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم شمرده شده است [3]. مورخان تربیتی، پیدایش تربیت حرفه‌ای در مدارس را ابتدای قرن بیستم می‌دانند [4]. به زعم وینچ دولت‌ها باید در زمینه تربیت حرفه‌ای دخالت بیشتری داشته باشند. او بر این عقیده است که دلیل اولیه تنزل و افول اقتصادی و اجتماعی انگلستان در مقابل ژاپن، نیروی کار نه چندان ماهر بوده است. چون پادشاهی انگلستان به خاطر عوامل متعدد و پیچیده صنعتی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی در آموزش کارگران ضعیف عمل کرده است [5]. لذا، کاملاً ثابت شده است که تربیت حرفه‌ای نقش مهمی در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی دارد [6].

در واقع، تربیت حرفه‌ای از دیر باز مورد توجه بوده است. به طور کلی فرهنگ‌ها، ایدئولوژی‌ها و تمامی تمدن‌ها و ادیان بشری و الهی به انحاء مختلف، تلویحاً یا تصریحاً تعالیم حرفه‌ای خود را به پیروان و وابستگان خود آموزش داده‌اند. تربیت حرفه‌ای در ایران نیز از ابتدا تاکنون مسیرهای مختلفی را پیموده است و تغییراتی در شیوه‌ها و چگونگی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در طی سال‌ها مشاهده شده است. اما با وجود به‌کارگیری سیاست‌ها و راهبردهای مختلف جهت تحول در ساحت تربیت حرفه‌ای، برون داد نظام آموزشی در این مورد با چالش‌های اساسی روبه‌رو است.

به نظر می‌رسد هر نوع تغییر و تحول در نظام تربیت حرفه‌ای یا دریافت درک درستی از آن، مستلزم تبیین فلسفه تربیتی حاکم بر نظام تربیت حرفه‌ای است. بنابراین اولین اقدام برای شناسایی دقیق یک نظام تربیتی، شناسایی و بررسی سیر تحول تربیت حرفه‌ای و فلسفه حاکم بر آن طی یک دوره از مرحله تولد تا وضعیت کنونی است. به همین سبب مطالعه پیشینه نظری تربیت حرفه‌ای و کسب اطلاعات دقیق تر در این زمینه به ما کمک خواهد کرد. سوابق تاریخی نشان می‌دهد که تربیت حرفه‌ای در ایران در نظام جدید با دارالفنون آغاز شد، پس از تأسیس دارالفنون، توجه به معارف جدید بیشتر شد و علاوه بر ایجاد مدارس عمومی که روز به روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شد، چندین مدرسه تخصصی و حرفه‌ای نیز دایر شد [7]. در قرن اخیر، برنامه‌های تربیت حرفه‌ای ایران علیرغم تحمل فراز و نشیب‌های فراوان، به لحاظ کمی از رشد نسبی برخوردار بوده است. از آنجا که تربیت حرفه‌ای فرد را جهت احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده می‌سازد و کارایی و توانایی وی را در انجام آن‌ها افزایش می‌دهد، لذا اهمیت و جایگاه تربیت حرفه‌ای و نیز تفکر در خصوص رشد و توسعه جایگاه آن، نه به عنوان شعاری احساسات برانگیز بلکه ضرورتی اجتناب ناپذیر که مبین بینش و شعور اجتماعی مجریان و برنامه‌ریزان است می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

با وجود آن که در تاریخ آموزش و پرورش کشور به موضوع تربیت حرفه‌ای توجه شده است، درباره فلسفه تربیت حرفه‌ای به سند معتبری که به تدوین یا تبیین فلسفه تربیت حرفه‌ای در نظام تربیتی پرداخته باشد برخورد نمی‌کنیم؛ همان طور که در بالا بیان شد مرور پیشینه پژوهش در ایران نشان می‌دهد که نظام آموزشی کشور به طور مشخص فاقد فلسفه اعلام شده و معینی در تربیت حرفه‌ای بوده است. در حالی که روشن نبودن فلسفه تربیت حرفه‌ای، می‌تواند یک خلأ در هر نظام آموزشی محسوب شود و امکان اصلاح یا تحول در نظام آموزشی را با دشواری و چالش روبرو سازد.

به بیان دیگر، می‌توان چنین ادعا کرد که آماده شدن جوانان، مستلزم وجود نظام تربیت حرفه‌ای است که از وحدت نظر و رویه برخوردار باشد. وجود فلسفه معینی برای تربیت حرفه‌ای به شکل‌گیری این وحدت کمک می‌کند و قوام اندیشه و تصمیم درباره تربیت حرفه‌ای را رقم می‌زند. وجود یک فلسفه تربیت حرفه‌ای به روز شده، می‌تواند به این رابطه غنای بیشتر و اعتبار بالاتری ببخشد. دستیابی به فلسفه روشنی از تربیت حرفه‌ای، جدا از تحولات اقتصادی معاصر آنها ممکن نیست. وقتی از

فلسفه تربیت حرفه‌ای اطلاعاتی نداریم چگونه می‌توانیم به بهترین وجه به تربیت حرفه‌ای بپردازیم؟ بنابراین با توجه به خلاء پژوهشی در زمینه چیستی فلسفه تربیت حرفه‌ای در ایران و ابهام در اینکه نظام تربیت حرفه‌ای ایران از کدام فلسفی تربیتی تبعیت می‌کند و در برخورد با تغییرات و تحولات پیرامونی چگونه و با چه منطقی به آنها پاسخ می‌گوید، این پژوهش بر آن است که به شناسایی فلسفه تربیتی حاکم بر نظام تربیت حرفه‌ای ایران، و روند تحول آن در دوره معاصر بپردازد. بنابراین پرسش اصلی آن این است که نظام تربیت حرفه‌ای در ایران براساس کدام فلسفه تربیتی شکل گرفته است و در سیر تاریخی خود چه تحولاتی را پشت سر گذاشته است. در پاسخ به این پرسش ابتدا مروری گذرا بر دیدگاه صاحب نظران فلسفه تربیتی حوزه تربیت حرفه‌ای و پیشینه آن می‌اندازیم.

از دیدگاه باقری بینشی که در دیدگاه اسلام، در باب تربیت حرفه‌ای قابل توجه می‌نماید این است که تربیت حرفه‌ای را باید همچون تحولی نگرینست که به نحوی در همه گستره وجود آدمی ظهور می‌کند. اگر تربیت حرفه‌ای به عنوان تحولی در عمل آدمی نگرینسته شود، مستلزم آن خواهد بود که ظهور مهارت‌های تازه در فرد، بر بستر تحولی در ساختار معرفتی، میلی و ارادی او صورت پذیرد [8]. قاسمی معتقد است: تأثیر تعلیم و تربیت در توسعه اقتصادی و اجتماعی هر مملکت، روز به روز بر اهمیت خود می‌افزاید و بحث جدیدی را به میان می‌آورد [9]. مطهری معتقد است در مکتب اسلام هر چند اقتصاد زیر بنا و هدف نیست، اما به عنوان وسیله، برای آن اهمیت زیادی در نظر گرفته شده است. تا جایی که آن را به عنوان خون در پیکر انسان دانسته‌اند [10]. به زعم مطهری، فلسفه تربیت، تواناسازی افراد جهت انجام شغل، زیستن و با دیگران زیستن است [11]. کاردان بر این عقیده است که یکی از ویژگی‌های آموزش و پرورش توجه روز افزون به کاربردهای آموزش و پرورش به ویژه کاربردهای اقتصادی آن است [11]. در این پژوهش نیز منظور از تربیت حرفه‌ای، تربیت حرفه‌ای رسمی در دوره متوسطه است که معمولاً با عنوان آموزش فنی و حرفه‌ای شناخته می‌شود.

اما از آنجا که تربیت حرفه‌ای دارای اختصاصات و مؤلفه‌های ویژه‌ای مثل: کارآفرینی، درک و فهم اقتصادی، بهره‌وری، اخلاق حرفه‌ای، تغییرات فناوری و اطلاعات است. پی جویی این ویژگی‌ها و مفاهیم اختصاصی جهت کشف فلسفه تربیت حرفه‌ای ضروری به نظر می‌رسد.

کار آفرینی به عنوان یکی از مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای عبارتست از فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصت‌ها [12]. کارآفرین کسی است که متعهد می‌شود مخاطره‌های یک فعالیت اقتصادی را سازماندهی، اداره و تقبل کند [13]. کار آفرینی به عنوان سمبل و نماد تلاش و موفقیت در امور تجاری بوده و کارآفرینان، پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند. توانایی آن‌ها در بهره‌گیری از فرصت‌ها، نیروی آنها در نوآوری و ظرفیت آن‌ها در قبال موفقیت، به عنوان معیارهایی هستند که کارآفرینی نوین توسط آنها سنجیده می‌شود [14].

اخلاق حرفه‌ای نیز به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای یعنی شیوه‌های رفتاری متداول در میان اهل یک حرفه شناخته می‌شود [15]. به عبارت دیگر اخلاق حرفه‌ای مدیریت رفتار و کردار آدمی هنگام انجام کارهای حرفه‌ای است. به تعبیری دیگر اخلاق حرفه‌ای رشته‌ای از دانش اخلاقی است که به مطالعه روابط شغلی می‌پردازد. مقصود از اخلاق حرفه‌ای مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و بر اساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای رعایت کنند؛ بدون آن که الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف، به مجازات‌های قانونی دچار شوند. به بیان دیگر اخلاق حرفه‌ای، به منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد و در تعریف حرفه، آن را فعالیت معینی می‌دانند که موجب هدایت فرد به موقعیت تعیین شده همراه با اخلاق خاص است.

درک و فهم اقتصادی و حرفه‌ای نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای یعنی فهم خوب و کافی از دانش اقتصاد و حرفه، به نحوی که متریبان در عرصه مسائل اقتصادی و حرفه‌ای شخصی و مسائل پیچیده تر، از قبیل سیاست‌های اقتصادی و حرفه‌ای کشور، بتوانند ادراک، قضاوت و رفتارهای مستدل و عقلایی را در یک دنیای پیچیده و متحول از خود نشان دهند.

بهره‌وری به عنوان یکی دیگر از مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای یعنی استفاده علمی از منابع ملی مانند نیروی انسانی و دیگر عوامل تولید به منظور کاهش میزان بیکاری، افزایش واقعی دستمزد، بالا رفتن استانداردهای زندگی مصرف کنندگان، مدیران و کارکنان، کاهش قیمت تمام شده و رشد بازار است. برای افزایش بهره‌وری در سازمان نیاز به تأمین شرایط متعددی است که مهم ترین آن عامل انسانی است. به عبارت دیگر نیروی انسانی تربیت شده متخصص مهم ترین عامل بهره‌وری است [16]. بهره‌وری یکی از مفاهیم علم اقتصاد و مدیریت است که چنین تعریف

می‌شود: «مقدار کالا و یا خدمات تولید شده در مقایسه با هر واحد از انرژی و یا کار هزینه شده بدون کاهش کیفیت». یا به عبارت دیگر عبارتست از: «اثربخشی به همراه کارایی». به دیگر سخن، بهره‌وری، عبارتست از بدست آوردن حداکثر سود ممکن با بهره‌گیری و استفاده بهینه از نیروی کار، توان، استعداد و مهارت نیروی انسانی، زمین، ماشین، پول، تجهیزات، زمان، مکان و... به منظور ارتقاء رفاه جامعه. با توجه به اینکه عامل کار (نیروی انسانی متخصص) یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش بهره‌وری است. لذا تربیت حرفه‌ای می‌تواند این مهم را فراهم نماید.

نهایتاً اینکه از دیگر مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای توجه به فناوری اطلاعات و ارتباطات است. در جهان امروز که عصر اطلاعات و جامعه دانایی محور خوانده می‌شود و سرعت دانش بشری در سایه انجام انبوهی از پژوهش‌ها دائماً در حال توسعه و تغییر است، تربیت حرفه‌ای هم هر روز با مسائل جدید مواجه می‌گردد که نیازمند یافتن راهکارهای علمی برای آن است. در نظام آموزشی باید فراگیران خود را با تحولات تکنولوژی هماهنگ و به روز نگه دارند. ارتباط با بازار کار و تربیت فراگیران بر اساس نیازهای بازار کار مسأله مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین تربیت حرفه‌ای متناسب با شرایط زمانی و مکانی و با رشد و توسعه فناوری‌های نوین و جدید تغییرات صورت گرفته است. برای اینکه این تغییرات در فرایند تاریخی نشان داده شود لازم است مروری بر تحولات تربیت حرفه‌ای در فرایند تاریخی شکل‌گیری آن بیافکنیم.

شکل‌گیری تربیت حرفه‌ای همواره تحت تأثیر تحولات اقتصادی صورت گرفته است. بنابراین برای بررسی تحولات تربیت حرفه‌ای و فلسفه آن باید نظری هم به تحولات اقتصادی معاصر آن داشت. به عنوان مثال در غرب، انقلاب صنعتی در اروپا موجب شد تربیت حرفه‌ای از وضعیت استاد شاگردی خارج و وارد مدرسه شود و تربیت حرفه‌ای در فرایند آموزش و پرورش مورد توجه قرار گیرد. یا بحران اقتصادی دهه 70 و بیکاری جوانان، تربیت حرفه‌ای را در کانون توجه دولت‌ها برای توسعه اقتصادی قرار داد. انقلاب الکترونیک و سرعت گرفتن تغییرات تکنولوژی باعث شد رویکرد آماده‌سازی دانش آموزان برای زمینه‌های عام شغلی جایگزین رویکرد آماده‌سازی برای یک شغل شود [2].

در ایران معاصر نیز تحولات سیاسی و اقتصادی در توجه به تربیت حرفه‌ای مؤثر بوده است. تحولاتی مانند آنچه که امیر-کبیر در زمان خودش در سیاست اقتصادی کشور بوجود آورد و به مقتضای آن دارالفنون تأسیس شد یا تحولاتی که در اقتصاد

ایران در دوره رضا شاه بوجود آمد و موجب تأسیس هنرستان-های فنی گردید و یا تحولات قیمت در بازار جهانی نفت و افزایش درآمد نفتی در ایران در دهه 50 که اهمیت تربیت حرفه‌ای را بالا برد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز بحث خودکفایی و تغییر سیاست‌های اقتصادی زمینه را برای اهمیت دادن به موضوع مهارت آموزی و تأسیس شاخه کار دانش فراهم آورد.

بررسی عوامل مؤثر در تأسیس دارالفنون و چگونگی ایجاد آن، مستلزم آگاهی از وضعیت صنایع و اقتصاد کشور و تحولات جهانی در آن زمان است. شتاب انقلاب صنعتی در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی، موجب افزایش کالاهای ساخته شده و فزونی علاقه‌ی اروپاییان به تسلط بر بازارهای جدید و مواد خام شد. آن‌ها برای دستیابی به بازارهای جهان و همچنین به دست آوردن مواد خام مورد نیاز صنایع خویش به نفوذ و استعمار دیگر ممالک پرداختند. در این میان، ایران نیز به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی و بی‌کفایتی سیاست مداران وقت از دید استعمارگران پنهان نماند. آن‌ها با شیوه‌های مختلف به گسترش روابط خویش با ایران و تسلط بر منابع و ثروت‌های کشور پرداختند. از اواخر قرن 18 با ورود روز افزون کالاهای خارجی به قیمت ارزان، صنایع داخلی توان مقاومت را از دست داد و با تسلیم شدن، میدان را برای بازرگانان و تجار اروپایی خالی نمود. بازار نواحی شمالی ایران در اختیار روس‌ها و بازار نواحی جنوبی کشور نیز در اختیار انگلیسی‌ها قرار گرفت. حمایت از سیاست درهای باز توسط شاهان قاجار، سبب هجوم کالاهای غربی و فرو پاشیدن صنایع داخلی شد. این وقایع موجب شد امیرکبیر در جهت تقویت و حفظ صنایع داخلی در این دوره اقدامات مهم و مؤثری انجام دهد و در مدت بسیار کوتاه صادرات خویش بازارهای خوبی را برای کالاهای ایران در روسیه، عثمانی و هندوستان پیدا کند. گرچه دارالفنون زاینده فکر و اندیشه امیرکبیر بود، لیکن وقایع گذشته دوران قاجار یعنی ناتوانی کشور در نگهداری مناطق شمالی و شکست‌های پی در پی از قوای روسی و به دنبال آن حضور صاحب منصبان و معلمان اروپایی برای تعلیم ارتش ایران و همچنین اعزام محصل و صنعتگر به خارج از کشور و بالاخره ایجاد مدارس جدید توسط مسیونرهای مذهبی غرب، همه در آشنایی ایرانیان با معارف اروپا و آماده ساختن زمینه لازم برای ایجاد چنین مرکزی در کشور کاملاً مؤثر بودند. روشنی زعفرانلو در مورد انگیزه امیرکبیر در ایجاد چنین مدرسه‌ای می‌نویسد: «میرزا تقی خان امیر نظام از ابتدای خدمت تا وصول به مقام صدارت در آذربایجان شاهد و ناظر حوادث نامطلوبی بود که در

اثر عدم کفایت فنی و نظامی کشور رخ می‌داد، از تکرار تجربه قائم مقام و حاجی میرزا آقاسی (درمورد اعزام محصل به خارج) صرف نظر کرد و درصدد برآمد، کانونی در داخل ایران برای تربیت و تعلیم کسانی ایجاد کند که در دستگاه نظام کشور بایستی مسئولیت دفاع ایران را در برابر تجاوز و تهاجم بیگانگان عهده دار باشند» [17]. فکر ایجاد دارالفنون، بیش از هر چیز نشأت گرفته از سفر امیرکبیر به روسیه و مشاهده مدارس و مرکز علمی آن کشور بود. اما عامل مؤثر دیگر در ایجاد دارالفنون، ترجمه کتب و روزنامه‌های غرب بود. امیرکبیر در مدت اقامتش در ارزنه الروم دستور جمع آوری برخی از کتاب‌های اروپایی را داد و از مجموع این کتاب‌ها با نظارت وی کتاب بزرگی در دو جلد به نام «جهان نمای جدید» درباره اوضاع جغرافیایی و تاریخی و سیاسی و اقتصادی جهان پدید آمد. مطالب کتاب که اطلاعاتی را در مورد جمعیت، مصنوعات، منسوجات و واردات و صادرات، نظام لشکری و دریایی، مدرسه، کتابخانه، دارالشفاء، موزه، تماشاخانه و غیره در ممالک مختلف ارائه می‌نماید، عامل مؤثری در آشنایی امیرکبیر با مؤسسات و بنیادهای فکری جدید اروپا بوده است [18].

عامل مؤثر دیگری که احتمالاً در تصمیم امیرکبیر دخالت داشت، وجود دارالفنونی در کشور عثمانی بود. به عبارت دیگر «شاید اقدام دولت عثمانی به تأسیس دارالفنون استانبول هم آخرین مشوق و محرک او در توجه به این کار شده باشد» [17]. به هر حال با احداث دارالفنون، نخستین قدم در راه اشاعه علوم و فنون جدید برداشته شد و نخستین مدرسه برای فراگیری فنون جدید و تربیت نیروی انسانی مورد نیاز به دور از شیوه سنتی استاد-شاگردی که تا آن زمان رایج بود، به وجود آمد.

همچنین غریب‌دگی در کشور که پس از انقلاب مشروطیت آغاز شده بود وارد مرحله نوینی که همانا مدرنیزه شدن بود، گردید. از این پس وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور کاملاً دگرگون، و درآمد نفت به مهم‌ترین عامل تحولات اقتصادی و اجتماعی مبدل شد. نگرش شبه مدرنیستی دولت و همچنین افزایش درآمد نفت، خصوصاً از 1313 به بعد، موجب افزایش تکنولوژی وارداتی و نیز توسعه کارخانه‌ها و صنایع وابسته شد. گسترش صنعت وابسته کشور، رشد دستگاه اداری، افزایش کارمندان دولت و در نتیجه رشد بخش خدمات را به دنبال داشت. حمایت ناگهانی از صنایع وارداتی در بودجه دولت، نیروی کار صنعتی را نیز افزایش داد، اما از آنجا که این افزایش به هیچ وجه متناسب با رشد صنایع نبود، کارخانه‌ها عمده‌تاً توسط کارمندان دولت و بوروکرات‌ها اداره می‌شد. این تحولات و تغییرات در حوزه نظام

دیوان‌سالاری و صنعت نیاز به تربیت نیروی آموزش دیده را با معیارها و ابزارهای جدید بالا برد در نتیجه در زمینه آموزش حرکت در جهت هماهنگی سیاست آموزشی با نگرش شبه مدرنیستی دولت یعنی گسترش آموزش متوسطه و عالی هدف قرار گرفت. ویژگی آموزش این دوره، غریب‌دگی همراه با اسلام ستیزی بود. با افزایش قدرت دولت، مدارس نیز از نظر سازمان و برنامه یکسان شده، نظام آموزشی در خدمت نظام اداری و در جهت تربیت کارمند برای دولت گام بر می‌داشت. به همین جهت و به منظور تربیت نیروی انسانی مورد نیاز مؤسسات و ادارات دولتی، مدارس تجارت و بازرگانی دایر شد و چند هنرستان صنعتی (فارس، تبریز،...) نیز به کمک آلمانی‌ها در کشور احداث شد. نخستین آموزشگاه‌های پرستاری نیز به سبک غرب توسط دولت دایر شد. اما در مجموع تعداد مدارس فنی و حرفه‌ای در این دوره به هیچ وجه متناسب با افزایش مدارس عادی و همچنین صنعت رو به رشد کشور نبود.

در دهه‌های 1340 و 1350 طی برنامه‌های سوم (46-1342) و چهارم (51-1347) عمرانی کشور و در آغاز برنامه پنجم عمرانی کشور، به دنبال افزایش درآمد نفت سرمایه گذاری دولت در زمینه تربیت حرفه‌ای نیز افزایش یافت. برنامه پنجم عمرانی موجب تجدید نظر در این برنامه و تسریع در رشد صنعتی کشور شد و به این ترتیب سیل کالاهای مصرفی و ماشین آلات و متخصصان خارجی به کشور سرازیر شد. ایجاد صنایع در این دوره در واقع کانالی برای خروج دلارهای نفتی، رشد شهرها، ایجاد مصرف زدگی و بازار کالاهای مصرفی و از بین رفتن کشاورزی و وابستگی اقتصاد بود.

توجه به تأمین نیروی انسانی مورد نیاز صنعت مونتاژ و همچنین نظام اداری رو به گسترش، منجر به توسعه تربیت حرفه‌ای در این دو بخش شد. به نحوی که در طی برنامه پنجم عمرانی کشور، تربیت حرفه‌ای از نظر واحد آموزشی 109 درصد و از نظر تعداد هنرجو 320 درصد افزایش را نشان می‌دهد. وضعیت نیروی کار شاغل در کشور نیز مؤید همین حرکت بود، زیرا در طی این سال‌ها نیروی کار در بخش کشاورزی رو به کاهش و بخش صنعت و خدمات در حال افزایش بود.

به طور کلی در مورد چگونگی ارتباط تربیت حرفه‌ای و صنعت و اقتصاد کشور در این دوره باید گفت که بین بازار کار و رشته‌های آموزشی موجود در هنرستان‌های کشور هماهنگی لازم وجود نداشته است، و مطالعات دقیقی نیز در مورد چگونگی نیاز جامعه به تخصص‌های مختلف و سطوح آن‌ها انجام نیافته بود. به همین جهت این نوع آموزش به رغم رشد کمی، از رشد کیفی



مناسب برخوردار نبود و تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی با مشکلات و تنگناهای بسیاری مواجه بوده است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل اهمیت یافتن خود کفایی و توسعه اقتصادی موجب توجه به تربیت نیروی انسانی ماهر و در نتیجه تربیت حرفه‌ای به عنوان مهم ترین عامل تأمین کننده این نیروها شد. از این رو با شروع برنامه‌ی پنج ساله و تدوین طرح آموزش فنی و حرفه‌ای در سال 1362 رشد کمی این آموزش‌ها مجدداً آغاز شد و تحولات چندی در بخش‌های مختلف تربیت حرفه‌ای صورت گرفته که مهم ترین آن‌ها محول شدن آموزش کشاورزی به وزارت آموزش و پرورش، اجرای طرح کاد به منظور پیوند بیشتر مدرسه با جامعه، ایجاد و توسعه‌ی هنرستان‌های فنی جوار کارخانه‌ای و همچنین گنجاندن دوره کارآموزی به عنوان واحد درسی هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای بود. طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی وضعیت تربیت حرفه‌ای کشور همواره در نوسان بوده است و اگر چه به منظور سازماندهی و برنامه ریزی این آموزش‌ها شورای عالی هماهنگی ایجاد شد، که اقدام مؤثری در این زمینه بود، اما به دلیل فعال نبودن این شورا در سال‌های بعد و فقدان برنامه ریزی صحیح در واقع عامل محرک و هدایت کننده‌ی این آموزش‌ها سلیقه‌های شخصی مدیران و تقاضای اجتماعی بوده است، به عبارت دیگر هماهنگی لازم بین این بخش از آموزش و سیاست‌های کلی مملکت وجود نداشته است.

پژوهش‌های فراوانی که در طول سه دهه گذشته در خصوص تربیت حرفه‌ای انجام شده است این نتیجه گیری‌ها را تأیید می‌کند. طبق بررسی‌های انجام شده در پژوهش‌های داخلی، تحقیقی که به طور مستقل و خاص به بررسی فلسفه تربیت حرفه‌ای پرداخته باشد، مشاهده نشد، اما پژوهش‌هایی که به‌طور عام به بحث تربیت حرفه‌ای در ایران پرداخته‌اند مانند زیباکلام مفرد [19]، صفارحیدری ثابت [20]، مرجانی [21]، جمال فر [22]، صیافی [23]، بیناییان سفید [24]، کریمی [25]، نظری [26]، قربان حسینی [27]، نوابخش [28]، تکمیل همایون [29]، عطاریان و محتشمی پور [30]. نتیجه گرفتند که پائین بودن ارزش کارهای فنی در جامعه، مدرک گرایی و پائین بودن منزلت اجتماعی آموزش فنی و حرفه‌ای، ناهماهنگی برنامه‌های آموزش با نیازهای جامعه، کمبود مربی ماهر، غلبه آموزش نظری بر آموزش عملی و نامناسب بودن کیفیت برنامه‌ها از جمله مشکلاتی هستند که آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای با آن روبروست. این یافته‌ها بیانگر این واقعیت است که مجموعه فعالیت‌های تربیت حرفه‌ای کشور، نظامی هماهنگ ندارد. میان

آموزش‌های رسمی و غیر رسمی ارتباط منطقی وجود ندارد؛ ارزش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به مردم شناسانده نشده است. اغلب کارشناسان آگاه، به نامطلوب بودن تربیت حرفه‌ای در ایران اذعان دارند. همچنین، شواهد پژوهشی موجود بر وجود اختلال و نارسایی‌های عمده در این حوزه دلالت دارند.

بنابراین، به طور کلی از بررسی وضعیت تربیت حرفه‌ای در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌توان چنین نتیجه گرفت که به رغم همگامی ظاهری بین تربیت حرفه‌ای و وضعیت اقتصادی کشور به هیچ وجه ارتباط منسجم و حساب شده‌ای بین این نوع آموزش و بخش صنعت و کشاورزی و به طور کلی اقتصاد کشور وجود نداشته و ندارد. به نظر می‌رسد این ناهماهنگی‌ها نشان دهنده نا معین بودن فلسفه تربیت حرفه‌ای در این دوره‌هاست یا به بیان دیگر بخش عمده‌ای از این ناهماهنگی به روشن نبودن فلسفه تربیت حرفه‌ای مربوط می‌شود. با وجود این از آنجا که در سال‌های اخیر برنامه‌ریزی در درون وزارت آموزش و پرورش آغاز شده است. امید است برنامه‌ریزی‌های مهم در سطح مملکت صورت پذیرد و این بخش از آموزش ضمن برخورداری از اصول تعلیم و تربیت و فلسفه تربیت حرفه‌ای، بیش از پیش در خدمت اقتصاد و جامعه کشور قرار گیرد. از این رو پاسخ به سئوالات پژوهش و دستیابی به این معرفت که تربیت حرفه‌ای در ایران که عمدتاً از تربیت حرفه‌ای در غرب مایه گرفته است تحت تأثیر کدام فلسفه تربیتی قرار داشته است ضرورتی است که در یافته‌های پژوهش به آن توجه شده است.

مرور پیشینه نشان داد که فلسفه تربیت حرفه‌ای در سایر کشورها نیز مورد توجه بوده است. از جمله می‌توان به کشورهای آلمان، آمریکا، استرالیا، انگلیس، ترکیه، چین، ژاپن اشاره کرد.

ناظران بین المللی بر این اعتقادند که تعلیمات فنی و حرفه‌ای در آلمان توانسته است خود را از جهات کمی و کیفی با تکامل صنعتی و اقتصادی جامعه هماهنگ کند و پیوندی استوار با دنیای کار و صنایع برقرار سازد. دانش آموزان باید پس از اتمام دوره اول متوسطه در مراکز فنی و حرفه‌ای به طور تمام وقت و نیمه وقت به تحصیل اشتغال ورزند. مراکز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شامل: 1- مدارس حرفه‌ای و مراکز کار و تولید-2- آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای تمام وقت 3- آموزشگاه‌های تخصصی می‌باشد. هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای تمام وقت، برنامه‌ی تماماً مبتنی بر تحصیل ارائه می‌دهند و حرفه‌های مورد توجه در این هنرستان‌ها با نظام دو گانه متفاوت می‌باشد.

سیستم آموزش‌های دوگانه برای اولین بار در کشور آلمان طراحی و اجرا شده است که شامل کار نیمه وقت و تحصیل در کنار هم می‌باشد [31]. همین طور در آمریکا تربیت حرفه‌ای مورد توجه خاصی بوده است به طوری که اولین قدم پس از جنگ به وسیله تصویب قانون سال 1917 میلادی برداشته شد. طبق این قانون برنامه آموزشی به حکومت مرکزی محول گردید و بودجه لازم جهت آموزش‌های کشاورزی، بازرگانی، اقتصاد خانواده و صنعت تأمین گردید و مدارس زیادی تأسیس شد. در آمریکا پس از جنگ به دلیل تأکید بر صنعت و تجارت به تربیت حرفه‌ای بیشتر توجه شد و به طور کلی برنامه درسی مدارس، بیشتر جنبه عملی پیدا کرد تا نظری، در غرب آمریکا هم جونیور کالج‌ها مشغول تربیت تکنسین شدند [32]. در ادامه تربیت حرفه‌ای در استرالیا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در اواخر سال 1980 میلادی در حالی که استرالیا در شرایط بد اقتصادی قرار داشت، تصمیم بر تغییر سیاست اقتصادی خود از «حمایتی» به «رقابتی» گرفت. این تغییر عظیم اقتصادی، نیازمند نیروهای انسانی کارآمد و ماهر بود، از این رو منشور اصلاحات آموزش فنی و حرفه‌ای در سطوح ملی تدوین گردید. نکته‌ی مهم در این اصلاحات نگاه به اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به منظور افزایش کارایی این نظام آموزشی برای کمک به اقتصاد این کشور بود تا بتواند هم در بازار رقابت بین‌المللی (تجارت جهانی) حضور یابد و هم به افزایش استانداردهای زندگی از طریق افزایش کارایی نایل آید. این اهداف نیز نیازمند سازماندهی محیط کار، طبقه‌بندی جدید مشاغل، فراهم آوردن زمینه‌ی آموزش‌های چند مهارتی و انعطاف‌پذیری نیروی کار بود. اصلاح عمده در نظام آموزشی استرالیا، حرکت به سمت آموزش مبتنی بر شایستگی بوده است [33].

در نظام تربیت حرفه‌ای انگلستان، دوره‌های آموزشی صلاحیت‌های حرفه‌ای ملی و صلاحیت‌های حرفه‌ای محلی تعریف شده‌اند که عمده‌تاً براساس استانداردهای تعیین شده‌ی صنعتی و بازرگانی برای داوطلبین طراحی گردیده‌اند. دوره‌های آموزشی مذکور پایه‌های برنامه‌های آموزش ملی را تشکیل می‌دهد. هر یک از این دوره‌ها از سطوح آموزشی خاص در قالب چارچوب آموزشی برخوردار است. سطح اول کلی‌ترین مهارت‌های آموزشی و سطح پنجم بالاترین سطح مهارت‌های حرفه‌ای را شامل می‌گردد. توانایی‌ها بر اساس عملکرد موفقیت‌آمیز شغلی افراد و توانایی آنان در به‌کارگیری دانش و میزان درک افراد از محتوای شغلی مورد سنجش قرار می‌گیرد. علاوه بر دوره مذکور،

دوره صلاحیت‌های حرفه‌ای عمومی ملی و دوره صلاحیت حرفه‌ای عمومی محلی نیز در جهت توسعه‌ی دانش و مهارت‌های شغلی به طور گسترده طراحی گردیده‌اند. دوره‌های آموزشی مذکور همچنین به عنوان کلید مهارت‌های ارتباطاتی و تکنولوژی اطلاعات مطرح هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که دوره‌های آموزشی مذکور در جهت ارائه آموزش‌های ترکیبی پایه متشکل از دوره‌های آموزش عالی و تکمیلی با دوره‌های فنی طراحی گردیده‌است [34].

در کشور ترکیه آموزش‌های رسمی مانند ایران به صورت پیش دبستانی، دبستانی، راهنمایی، دبیرستان و هنرستان‌های صنعتی و در نهایت ورود به آموزش عالی طراحی شده است، آموزش‌های غیر رسمی، با طول دوره سه تا چهار سال، مدارس فنی و حرفه‌ای غیررسمی، آموزش بزرگسالان و آموزش کارآموزان را در بر می‌گیرد که به صورت گواهینامه و هدایت شغلی فرد به سوی دستیابی به شغلی خاص می‌انجامد. در شاخه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای رشته‌های متعددی با توجه به نیاز و رویکرد اقتصادی-اجتماعی جامعه تعیین شده است رشته‌هایی که در هنرستان-ها ارائه می‌شود رشته‌های فنی، توریسم، تجارت، هتل داری، تجارت خارجی، آشپزی، دفتر داری و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی را در بر می‌گیرد [35]. به نظر می‌رسد در این کشور نحوه انتخاب پروژه‌های آموزشی به نحوی است که با استفاده از الگوهای آموزشی، دستیابی سریع اقتصادی و کارآفرینی به کار آموز القا می‌گردد مثل ساخت و تولید اسباب بازی با استفاده از مواد زائد توسط دانش آموزان در مدارس و مراکز آموزشی.

تربیت حرفه‌ای در کشور چین رکن اصلی پیشرفت کشور در عرصه‌های مختلف علمی، فناوری و اقتصادی است. در دنیای کنونی کمتر می‌توان کشوری را نام برد که توانسته مانند چین در طول دو دهه‌ی اخیر به این حجم از تولیدات و توسعه اقتصادی رسیده باشد. آموزش فنی و حرفه‌ای در چین در سه سطح ارائه می‌شود: 1- آموزش مقدماتی متوسطه 2- آموزش تکمیلی متوسطه 3- دوره‌ی تکمیلی آموزش فنی و حرفه‌ای. نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای چین عمده‌تاً در جهت آموزش کارگران، کشاورزان و کارکنان بخش‌ها در جهت احراز علوم حرفه‌ای پایه و مهارت‌های حرفه‌ای طراحی گردیده است. در حال حاضر مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای در قالب مدارس فنی و حرفه‌ای، مدارس متوسطه تخصصی و مدارس آموزش مهارت کارگران فعالیت دارند [35].

ژاپن از جمله کشورهایی است که به دلیل پایین بودن نرخ بیکاری و فناوری پیشرفته در عرضه‌ی محصولات صادراتی خود

شهره شده است. حرفه آموزشی عمومی، پیش از ورود به بازار کار در مدارس فنی و حرفه‌ای ارائه می‌شود. محیط‌های کار ژاپن بسیار متنوع است. انواع مدارس فنی و حرفه‌ای در ژاپن: 1- هنرستان‌های حرفه‌ای 2- مدارس عالی فناوری 3- مدارس ویژه مهارت آموزی 4- آموزشکده‌ها 5- دانشگاه‌ها. مهم‌ترین و مؤثرترین سیاست جهت تهیه و تأمین نیروی کار ماهر در ژاپن، استفاده از یک روش سه مرحله‌ای شامل موارد زیر است: 1- دعوت از متخصصان خارجی 2- اعزام دانشجویان و کارآموزان به خارج 3- تأسیس مؤسسات آموزشی با همکاری دولت و بخش خصوصی [36].

به طور کلی از بررسی تربیت حرفه‌ای در کشورهای مختلف با ایران می‌توان چنین نتیجه گرفت که در پی وقوع انقلاب صنعتی اروپا، انقلابی در نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف رخ داده است و بسیاری از افراد را به سوی تربیت حرفه‌ای هدایت نموده است. پیشرفت‌های صنعتی، نیاز به تکنولوژی‌های جدید را الزامی ساخته است. تکنولوژی جدید نیز به نوبه خود تحول چشم‌گیری را در زمینه‌ی آموزش به ویژه در خصوص ارتباط با بازار کار به دنبال داشته است، به طوری که ماهیت و کیفیت تربیت حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است. این تأثیرات به طور مستمر و شدیدتر از گذشته ادامه حیات داده و به یاری نظام‌های ملی و بین‌المللی نیازمند شده است تا خود را با نیازها و خدمات زمان تطبیق داده و آن را به سراسر زندگی دانش‌آموزان تسری دهد. این مسأله به حدی جدی شده است که کمتر شخصیتی را می‌توان پیدا نمود که نیاز به تربیت حرفه‌ای نداشته باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد کشورهای پیشرفته در استقبال از تربیت حرفه‌ای از کشورهای در حال توسعه مانند ایران پیشی گرفته‌اند لذا ضروری است در نظام آموزشی کشور ما نیز تربیت حرفه‌ای مورد توجه خاصی قرار گرفته تا زمینه لازم برای رقابت در بازارهای جهان و صادرات محصولات فراهم شود. در کشورهای اروپایی از هنرستان‌های فنی حرفه‌ای به دلیل وجود بازار کار استقبال دانش‌آموزان، چشمگیر است اما در نظام آموزشی ایران به دلیل نداشتن امنیت شغلی کمتر مورد توجه دانش‌آموزان قرار گرفته است.

## 2. روش پژوهش

در پژوهش حاضر به منظور بررسی روند تحول فلسفه تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران، اسناد آموزش و پرورش و آثار و منابع (مربوطه)، طرح‌های پژوهشی و پایان‌نامه‌ها در رابطه با

تربیت حرفه‌ای با بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی و تحلیل مفهومی، اسناد آموزش و پرورش مورد مطالعه قرار گرفته است. پرسش اصلی پژوهش این است که: فلسفه تربیت حرفه‌ای در دوره معاصر تعلیم و تربیت چه تطور و تحولی را در ایران طی کرده است؟

پرسش اصلی براساس مراحل تحول نظام تربیت حرفه‌ای ایران به پرسش‌های فرعی زیر تقسیم شده است:

1. نظام تربیت حرفه‌ای ایران از سال 1230 هـ ش (تأسیس دارالفنون) تا سال 1290 هـ ش (تأسیس وزارت معارف) از کدام مفروضه‌های فلسفی تأثیر پذیرفته است؟
2. نظام تربیت حرفه‌ای ایران از سال 1290 هـ ش تا سال 1343 هـ ش (تغییر نظام آموزشی در دوره پهلوی) از کدام مفروضه‌های فلسفی تأثیر پذیرفته است؟
3. نظام تربیت حرفه‌ای ایران از سال 1343 هـ ش تا سال 1367 هـ ش (تغییر نظام آموزشی جمهوری اسلامی) از کدام مفروضه‌های فلسفی تأثیر پذیرفته است؟
4. تربیت حرفه‌ای ایران از سال 1367 هـ ش تا کنون تحت تأثیر چه فلسفه‌ای بوده است؟

## 3. نتایج و بحث

برای پاسخ به سؤال پژوهش و اینکه فلسفه تربیت حرفه‌ای در ادوار مختلف تاریخ معاصر تعلیم و تربیت چه تطور و تحولی را در ایران طی کرده است؟ جهت سهولت در مطالعه روند تحولات نظام تربیت حرفه‌ای، ادوار مورد بررسی در این پژوهش، به چند دوره تقسیم شده اند: دوره اول، از سال 1230 (تأسیس دارالفنون) تا سال 1290 (تأسیس وزارت معارف)؛ دوره دوم، از سال 1290 تا سال 1343 (تغییر نظام آموزشی در دوره پهلوی)؛ دوره سوم، از سال 1343 تا سال 1367 (تغییر نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران)، و دوره چهارم، از سال 1367 تاکنون. برای پاسخ به هر کدام از سؤالات پژوهش، شرایط سیاسی و اقتصادی هر دوره، به علاوه وضعیت تحولات آموزش و پرورش در آن دوره، جهت شناسایی مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای در آن دوره مورد توجه پژوهشگر بوده است. در نهایت بر اساس مؤلفه‌های استخراج شده، فلسفه حاکم بر تربیت حرفه‌ای آن دوره مشخص گردیده است.



## 2-1. پاسخ سؤال اول

### 1- نظام تربیت حرفه‌ای ایران از سال 1230 (تأسیس دارالفنون) تا 1290 هـ ش (تأسیس وزارت معارف) از کدام مفروضه‌های فلسفی تأثیر پذیرفته است؟

صفویان اولین دولت در ایران بودند که با اروپا و علوم جدید آشنا شدند ولی گرایش آنها بیشتر به علوم و فنون نظامی بود. ولی به هرحال برخی از دانش و هنرهای غربی مثل نقاشی، گلدوزی، رقص، موسیقی، میناکاری، ساعت سازی، الماس تراشی، و زرگری مورد توجه قرار گرفت و شاه صفی از چارلز یکم تقاضا کرد تعدادی هنرمند و صنعتگر انگلیسی به دربار ایران بفرستد [37]. بطور کلی می توان گفت در دوره صفویه، علوم دینی، مانند تفسیر و فقه به اوج خود رسید و چون صنایع و هنرها تشویق می شدند، شاهکارهایی به وجود آمد؛ ولی این گونه هنر-ها و حرفه آموزشی‌ها، تنها در کارگاه‌ها و کارخانه‌ها به طریق استاد شاگردی آموخته می‌شد [38]. در دوره قاجار برای رسیدگی به امور مدارس جدید "انجمن تأسیس مکاتبت ملیه ایران" در سال 1275 هـ ش ایجاد شد. که بعدها به "انجمن معارف" معروف شد. این انجمن با تنظیم نظام نامه‌ای شامل بیست فصل به تأسیس مدارس جدید همت گمارد. به تدریج علاوه بر مدارس عادی، چند مدرسه تخصصی نیز دایر گردید [38]. مدرسه نقاشی 1240 هـ ش و سه مدرسه دیگر در تبریز، اصفهان و تهران که به تعلیم علوم، فنون نظامی و پزشکی مشغول بودند. مدرسه فلاحت مظفری که رشته کشاورزی را آموزش می‌داد از مدارس آن دوره می‌باشد. اولین مدرسه دولتی پس از دارالفنون، مدرسه دولتی تبریز بود که به نام (مدرسه مظفری) نامیده شد [39]. در این مدرسه فنون نظامی و پزشکی تدریس می‌شد. این مدرسه هجده سال (1269-1259 هـ ش) فعالیت کرد. از سال 1270 به نام مظفریه تغییر نام داد و در سال 1273 به کلی تعطیل شد. مدرسه نظامی اصفهان در 1260 هـ ش به نام (همایونی) در عمارت هشت بهشت اصفهان تأسیس شد و در اوایل سال 1263 هـ ش تعطیل گردید [39]. مدرسه نظام تهران نیز در این دوره ایجاد شد و در اوایل مشروطیت تعطیل شد. مدرسه فلاحت مظفری 1277 هـ ش در تهران تأسیس شد. دوره تحصیل در آن سه سال و بطور رایگان بود در این مدرسه علاوه بر کشاورزی دروس عمومی نیز تدریس می‌شد این مدرسه تا 1282 هـ ق دایر بود بعد به دلیل عدم تمایل محمدعلی شاه منحل و تا یازده سال مدرسه کشاورزی دیگری احداث نگردید [40]. تا قبل از انقلاب مشروطه جز چند مدرسه به سبک جدید، مدارس کشور عموماً به دو دسته تقسیم می‌شدند. یکی مدارس

قدیمی که در غالب شهرها دایر بود و طلبه‌ها در آن به تعلیم صرف و نحو عربی، منطق، اصول، فقه و حکمت اشتغال داشتند و دیگر مکتب خانه‌های خاص فرزندان اعیان و اشراف که در آنها بیشتر به آموختن خواندن و نوشتن به کودکان اکتفا می‌شد [41]. با تدوین قانون اساسی و متمم آن 1286 هـ ش برای نخستین بار نظارت دولت در امر آموزش به صورت یک اصل قانونی درآمد. بر اساس اصول هجده و نوزده متمم قانون اساسی، آموزش جدید کشور اجباری و همگانی شد و کلیه مدارس و مکاتب تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف، قرار گرفتند [42]. مدارس در این زمان برنامه مدون و محتوای مشخصی نداشتند و مدیر و مؤسس به سلیقه خود برنامه ریزی می‌کرد، تا اواخر مشروطیت و اوایل سال 1287 هـ ش تعداد این نوع مدارس افزایش یافت ولی هنوز اکثر دختران و پسران در مکتب خانه‌ها تحصیل می‌نمودند [43].

در مشروطیت دوم معارف جدید بسط و توسعه زیادی یافت و قانون اداری وزارت معارف و صنایع مستظرفه در سال 1288 هـ ش در سه فصل و دوازده ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید، به دنبال آن قانون اساسی معارف در سال ۱۲۸۹ مشتمل بر بیست و هشت ماده تصویب شد و بر اساس آن چگونگی تأسیس مدارس ابتدایی دولتی، غیردولتی، تکلیف مردم در تعلیمات اجباری و نحوه نظارت دولت در مدارس و چگونگی تدوین کتب درسی و برگزاری امتحانات، تأمین هزینه مدارس، سهم دولت و همچنین مالکین مناطق روستایی در ایجاد و تأسیس مدارس مشخص گردید [43]. مدرسه متوسطه منحصر به دارالفنون با هشتاد و شش شاگرد و مدرسه سیاسی با شصت و هشت شاگرد بود تعداد محصلان مدارس عالی صد و پنجاه و هفت نفر در رشته‌های طب دارالفنون، مهندسی، مدرسه سیاسی، مدرسه نظامی بود [47]. در سال (1289 هـ ش) مجلس شورای ملی قانونی وضع کرد که طبق آن وزارت معارف مکلف به تأسیس نه مدرسه شش کلاسه ابتدایی در شهرستان-های مختلف گردید [44].

### مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای مورد توجه در این دوره:

توجه به اینکه در دوره صفویه شاهد تولید و رونق صنایع عمده‌ای نظیر؛ قالیبافی، نساجی، چینی‌سازی، شیشه‌سازی، سفال‌گری، کاشی‌کاری، صنایع فلزی و ساختن انواع سلاح سرد بودیم و این صنایع عمدتاً با ابتکار و هنر فردی انجام می‌شد و متناسب با آن تربیت حرفه‌ای مبتنی بر نظام استاد شاگردی بود که در آن به متریبان مهارت بصورت عملی و در محیط کار آموزش داده می‌شد و آنان

جدول شماره ۱. مبانی فلسفی تربیت حرفه‌ای در دوره اول

Table 1. Philosophical principles of vocational education in the first period

Course name	The ruling philosophy	Philosophical foundations	Propositions	The impact of each of the propositions affecting vocational education in this period	
First period	Liberalism	Ontology	Gradual work, moderation, balance and lack of ambitious plans are characteristic of liberal morale.	In vocational education, improving general welfare is one of the fundamental principles, and is prepared in this wider context mentally for work in the community.	
			Epistemology	An empirical view based on sensory perception is the basis of knowledge.	In the vocational education of the liberal school, empiricism dominates.
			Anthropology	The activities of the individual should be as private as possible and free of state interference and regulation.	In vocational education, they train one to compete in the community
	Pragmatism	Ontology	The individual's economic liberty to compete and study property and private property should be respected.	In vocational education, a person has relative freedom and has the right to choose a job.	
			Epistemology	The world has a real existence, to an extent that is experienced	In vocational education, he considers the comprehensive profession as a means to provide material resources
			Anthropology	Tools are the recognition of senses and wisdom.	In vocational education, more than cognitive tools of sensation and experience are used.
Pragmatism	Anthropology	Man is a physical being, not having spirit, because the existence of the soul is not experienced.	In vocational education, you have to choose a career and experience yourself.		
		Valuation	Values are relative and changing. Everything that is beneficial to humans is valuable.	The task of the teacher is to make the students themselves experience the value of work.	

## 2-2. پاسخ سؤال دوم:

2- نظام تربیت حرفه‌ای ایران از سال 1290 تا سال 1343 (تغییر نظام آموزشی در دوره پهلوی) از کدام مفروضه‌های فلسفی تأثیر پذیرفته است؟

در این دوره مدارس حرفه‌ای گسترش یافت این مدارس غالباً از سطح دوره دوم متوسطه دانش آموز می‌پذیرفت. تعلیمات فنی

برای تولید کار و راه اندازی کسب و کار آماده می‌شدند. در نتیجه می‌توان چنین استنباط کرد که در این دوره مؤلفه کارآفرینی در تربیت حرفه‌ای مورد توجه بوده است. همچنین در دوره صفویه به لحاظ احساس نیاز کشور به علوم و فنون به خصوص در حوزه نظامی می‌توان چنین بیان کرد که مؤلفه فناوری مورد توجه بوده است.

**فلسفه غالب بر تربیت حرفه‌ای در این دوره:** فلسفه غالب بر تربیت حرفه‌ای در این دوره، مکاتب فلسفی پراگماتیسم، لیبرالیسم و سودگرایی ملموس تر است. در این دوره، تربیت بر بازسازی تجربیات متکی است. اینکه در غرب چه تجربیاتی وجود دارد همان موارد در نظام آموزشی ایران نیز ساری و جاری گردید. در این دوره تربیت، هدف تربیت جدای از خود تربیت نمی‌باشد. شاگرد محوری از ویژگی‌های نظام آموزشی در این دوره است. از سویی دیگر فلسفه غالب دیگر لیبرالیسم می‌باشد. چرا که در این دوره با توجه به تأکید بر رفع نیازهای فردی و توجه به سود و منفعت شخصی برفع نیازهای جمعی و جامعه برتری داشت و رقابت برای کسب درآمد بیشتر و همین طور آموزش علوم فنی، صنعتی و نظامی به خصوص با مدرسه دارالفنون در اولویت اولیه قرارداشت. حامیان لیبرالیسم، میان ارزش ذاتی و ارزش ابزاری دانش تفاوت می‌گذارند و برآنند که نمی‌توان ارزش ذاتی دانش را به ارزش ابزاری آن فرو کاست. از این رو، برخلاف حرفه گرایان، معتقدند که برای کسب دانش، ضرورتاً نیازی به توجیه ابزاری آن نیست. مدافعان لیبرالیسم بر این اعتقادند که، ارزش هر آموزشی به این نیست که ببینیم در نهایت، چه نوع مهارت عملی در فرد پدید می‌آورد، بلکه دانش به خودی خود، برای انسان ارزشمند است.

در این دوره چند درجه داشت. دوره ابتدایی در زندان قصر در تهران و در یتیم خانه شهر تعلیم می‌شد که شاگرد همزمان با یادگیری بخشی از تعلیمات ابتدایی پیشه‌هایی مانند قالی بافی، منبت کاری، حوله و جوراب بافی، مبل سازی، نجاری و امثال آن را می‌آموخت کسانی که پس از دوره ابتدایی وارد مدارس فنی می‌شدند در ردیف دوره متوسطه تعلیمات فنی قرار گرفته و عموماً در رشته معینی به درجه استادکاری می‌رسیدند، فارغ التحصیلان متوسطه کامل نیز وارد دانشکده فنی یا طب و امثال آن می‌شدند که این گروه در حقیقت در مرحله عالی تعلیمات فنی بودند [45].

**مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای مورد توجه در این دوره:** با توجه به اینکه پس از انقلاب مشروطیت (1285)، در ساختار اقتصادی، فنی و صنعتی کشور تغییر محسوسی روی نداده بود. حدود ۹۰ درصد از نیروی کار در بخش کشاورزی و صنایع دستی و روستایی و بقیه در بخش تجارت، خدمات دولتی و غیر دولتی و نیز صنایع شهری اشتغال داشتند. سرمایه گذاری های جدید بسیار اندک و آن نیز در زمینه تولیدات سنتی بود در نتیجه می‌توان گفت در این دوره (مشروطیت) مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای نظیر تولید و سرمایه گذاری و توزیع درآمد (بهره‌وری) و تغییرات شغلی (فناوری اطلاعات) بازار کار و کارآفرینی مورد توجه بوده است. همچنین در این دوره تولیدات کشاورزی نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافت. قسمت اعظم صادرات غیر نفتی را همچنان محصولات کشاورزی تشکیل می‌داد. بخش عمده صادرات کشور به فرش اختصاص داشت. می‌توان ادعا کرد که کارآفرینی، کار و آینده نگری، دوری از بیکاری، متناسب سازی آموزش‌ها با تقاضای بازار کار در تربیت حرفه‌ای این دوره مورد توجه بوده است. همچنین با توجه به اینکه از دوره ابتدایی آموختن حرفه در مدارس این دوره مورد توجه بوده است بنابراین مؤلفه کارآفرینی بسیار مورد توجه بوده است.

در دوره پهلوی به دلیل اینکه اقتصاد کشور به فروش نفت متکی بود و کار و اشتغال اهمیت چندانی نداشت و بیکاری در سراسر کشور حاکم بود، در نتیجه به تربیت حرفه‌ای که افراد را برای تصدی شغل و حرفه متناسب با آن آماده می‌کرد، خبری نبود. از سوی دیگر تقاضا برای محصولات کشاورزی در داخل و خارج از کشور افزایش یافته بود و دهقانان حداقل توانایی تأمین نمودن زندگی خویش را داشتند، البته اوضاع در بخش کشاورزی بهتر از بخش‌های دیگر بود در نتیجه تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی اتفاق نمی‌افتاد، اگر هم چنین امری مورد توجه بود از طرف دولت و نظام آموزشی نبود بلکه از طرف مردم و

روستاییان و بخش خصوصی بود. در این دوره صنعت نفت به دنبال مبارزات پیگیر نیروهای مردمی و مذهبی ملی شد. پس از ملی شدن صنعت نفت فشارهای سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورهای انگلستان، آمریکا فرانسه و هلند از طریق شرکت نفت ایران و انگلیس و همچنین دیگر شرکت‌های نفتی به منظور مقابله با پیامدهای ناشی از ملی شدن صنعت نفت آغاز شد. خودداری دولت‌های غربی از خرید نفت ایران، موجب قطع درآمد نفت و مشکلات شدید مالی کشور شد. حذف درآمد نفت، دولت را مجبور به محدود نمودن واردات و تشویق صادرات غیر نفتی نمود. و در نتیجه می‌توان گفت در این دوره تربیت حرفه‌ای از مؤلفه‌های توجه به ارزش کار و اهمیت آن (کارآفرینی)، درک و فهم اقتصادی و حرفه‌ای و تأثیر آن در رفاه عمومی، سرمایه گذاری و توجه به درون کشور بیشتر خود نمایی می‌کند. در نظام آموزش عالی، تربیت مهندسی و تکنسین‌هایی که در حوزه نفت و گاز بتوانند به جامعه کمک کنند مورد توجه جدی قرار گرفت و در نتیجه تربیت حرفه‌ای در این دوره اهمیت خاصی پیدا کرد.

تا سال 1341 آموزش و پرورش کشور تا حدودی ثبات خود را بازیافت و تعداد مدارس و همچنین محصلان افزایش یافت. مدارس حرفه‌ای نیز در این مدت رو به افزایش بود. سرمایه گذاری‌های صنعتی و لزوم تربیت انسانی ماهر موجب صرف اعتبارات بسیاری برای ایجاد مدارس حرفه‌ای شد در نتیجه با توجه به تغییرات شغلی و فناوری کار به عنوان یک ارزش و تأثیر گذار در حوزه های فردی و اجتماعی مورد توجه جدی قرار گرفت. در این دوره با افزایش مدارس ابتدایی و متوسطه بر تعداد مدارس تخصصی نیز افزوده شد، این مدارس در زمینه‌های مختلف تربیت حرفه‌ای در سطوح ابتدایی و متوسطه به سبک غرب اکثراً توسط خارجی‌ان و یا ایرانیان که در اروپا تحصیل کرده بودند دایر گردید و تربیت حرفه‌ای و مؤلفه‌های آن‌ها بیشتر رنگ و لعاب غربی داشت و کمتر به قداست و ارزش کار که مورد توجه اسلام بود، توجه می‌شد. در این دوره مدارس حرفه‌ای غالباً از سطح دوره دوم متوسطه دانش آموز می‌پذیرفت. تعلیمات فنی در این دوره چند درجه داشت. دوره ابتدایی که شاگرد در عین یادگیری بخشی از تعلیمات ابتدایی پیشه‌هایی مانند قالی بافی، منبت کاری، حوله و جوراب بافی، مبل سازی، نجاری و امثال آن را می‌آموخت. در ردیف دوره متوسطه تعلیمات فنی قرار گرفته و عموماً در رشته معینی به درجه استاد کاری می‌رسیدند، فارغ التحصیلان متوسطه کامل نیز وارد دانشکده فنی یا طب و امثال آن می‌شدند که این گروه در

جدول شماره 2. مبانی فلسفی تربیت حرفه‌ای در دوره دوم

Table 2. The philosophical principles of vocational education in the second period

Course name	The ruling philosophy	Philosophical foundations	Propositions	The impact of each of the propositions affecting vocational education in this period
Second period	Pragmatism	Ontology	The truth is a timely and not permanent and universal decree. Which is gained from experience. Man only knows something that is experienced through senses.	In vocational education, he thinks that God believes in God in his career and work, so he believes in him..
		Epistemology	Human beings are innate and the doctrine of human dignity is rejected.	In vocational education, more than cognitive tools of sensation and experience and after reason are used
		Anthropology	The value of everything depends on its practical utility.	In vocational education, you have to choose a career and experience yourself. The task of the teacher is to make the students themselves experience the value of work.
Valorisatio n				

حقیقت در مرحله عالی تعلیمات فنی بودند. در این دوره متناسب با تغییرات دوره‌های تحصیلی تربیت حرفه‌ای نیز تحت تأثیر قرار گرفته است.

**فلسفه غالب بر تربیت حرفه‌ای ایران در این دوره:** با توجه به مؤلفه‌های استخراج شده از تربیت حرفه‌ای در این دوره فلسفه غالب بر تربیت حرفه‌ای نیز پراگماتیستی بوده است. در این دوره در نظام آموزشی به روش حل مسئله تأکید می‌شد و علوم تجربی بر علوم انسانی اولویت داده می‌شد در نتیجه ویژگی‌های پراگماتیستی را دارد. همچنین در این دوره هر چیزی که برای فرد سودمند باشد ارزش تلقی می‌شد، در نتیجه رویکرد حاکم در این دوره پراگماتیسمی است. اگر فردی در این دوره به دنبال کسب علم و دانش است به خاطر اینکه در آن سود و منفعتی هم برای خود فرد و هم برای جامعه وجود دارد. در این دوره، تجربه که یک جزء مهم فلسفه پراگماتیسمی است، محور تربیت بوده است. در این دوره تعلیم و تربیت نه به عنوان صرف فراگیری موضوعات ذهنی آکادمیک، بلکه به عنوان بخشی از خود زندگی نگریسته می‌شود. در این دوره به تعلیم و تربیت به عنوان نوسازی اجتماعی نگریسته می‌شد در نتیجه می‌توان چنین گفت رویکرد حاکم در این دوره پراگماتیسمی است. چون پراگماتیسم‌ها علاقه‌مندند به کودکان بیاموزند چگونه مشکلات را حل کنند، آنان می‌پندارند که موقعیت‌های زندگی واقعی، توان حل مشکلات را در صحنه عمل تأیید می‌کند. در این دوره به جای تعلیم و تربیت اختصاصی، به تعلیم و تربیت گسترده توجه می‌شد، همان کاری که پراگماتیسم‌ها به چنین امری تمایل داشتند.

### 3-3. پاسخ سؤال سوم:

3- نظام تربیت حرفه‌ای ایران از سال 1343 ه.ش تا سال

1367 ه.ش (تغییر نظام آموزشی جمهوری اسلامی) از

کدام مفروضه‌های فلسفی تأثیر پذیرفته است؟

تربیت حرفه‌ای پس از تغییر نظام آموزشی در دوره

پهلوی: نظام آموزشی کشور در سال تحصیلی 1345-46 تغییر

نمود و مراحل تعلیماتی به سه دوره‌ی ابتدایی (پنج سال)

راهنمایی تحصیلی (سه سال) و متوسطه (چهار سال) تبدیل

شد. دوره‌ی پنج ساله ابتدایی از سال تحصیلی 1345-46، دوره‌ی

سه ساله راهنمایی از سال تحصیلی 1350-51 و دوره‌ی چهار

ساله‌ی متوسطه از سال تحصیلی 1353-54 تغییر یافت. در اولین

نمودار نظام آموزش و پرورش ایران (1342) که به «نظام جدید»

معروف شد، پس از دوره‌ی ابتدایی که پنج سال بود مرحله‌ی

دوم تعلیمات عمومی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی نامیده می‌شد.

در این طرح پس از دوره‌ی راهنمایی تحصیلی، دوره‌ی متوسطه

آغاز می‌گردید که این دوره نیز به دو شاخه تقسیم می‌شد.

شاخه‌ی اول آموزش فنی بود که هدف آن تربیت استادکار صنعتی و کشاورزی بود که از دو دوره‌ی چهارساله و دو ساله تشکیل می‌شود. دوره‌ی دو ساله آموزش حرفه‌ای محسوب می‌شد، که هدف آن تربیت کارگر یا کشاورز ماهر بود، و دوره‌ی چهار ساله آموزش فنی محسوب می‌شد، که این دوره با هدف تربیت استادکار صنعتی یا کشاورزی دایر شده بود.

در سال 1343 وزارت فرهنگ به وزارت آموزش و پرورش تغییر نام داد و اداره کل تعلیمات فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش تنها مرجع رسیدگی به امور مؤسسه‌های آموزش حرفه‌ای گردید. ولی در سال 1344 وظیفه آموزش متوسطه کشاورزی به وزارت کشاورزی منتقل گردید و اداره کل تعلیمات عالی به وزارتخانه به وزارت علوم و آموزش عالی واگذار شد. در سال 1347 معاونت آموزش فنی و حرفه‌ای جایگزین اداره کل تعلیمات فنی و حرفه‌ای شد که از هشت دفتر مختلف، (دفتر آموزش صنعتی، کشاورزی، خدمات، آموزش جامع، حرف بانوان، انستیتوهای تکنولوژی امور اداری و مالی تشکیل می‌شد. با توجه به سیاست‌ها و روش‌های گوناگون جهت تربیت حرفه‌ای در این دوره می‌توان چنین ادعا کرد که مفهوم کار، شغل و بازار کار (مؤلفه کارآفرینی) در این دوره بسیار مورد توجه بوده است. تربیت حرفه‌ای پس از پیروزی انقلاب اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار شد. ضرورت دستیابی به استقلال و خودکفایی در اقتصاد کشور به عنوان یکی از اهداف انقلاب مستلزم تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص بود، این مسئله موجب توجه به آموزش‌های حرفه‌ای به عنوان عامل مهم تأمین‌کننده این نیروها شد. ولی عدم وجود آمار صحیح از نیازهای آموزشی کشور، نداشتن یک سازمان واحد، و فقدان همکاری و هماهنگی سازمان‌ها در امر برنامه ریزی از یک طرف و از سوی دیگر رکود حاکم بر اقتصاد کشور پس از انقلاب، کاهش سطح تولید در صنایع، رشد سریع جمعیت در این مدت، عدم تعادل در جمعیت در جمعیت شهری و روستایی، مهاجرت بی‌رویه و بالاخره جنگ تحمیلی باعث کاهش مقطعی این آموزش‌ها از نظر کمی گردید. مسئولان با توجه به لزوم تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص برای توسعه هر چه بیشتر تربیت حرفه‌ای در اواخر سال 1358 پیشنهاد ایجاد وزارتخانه‌ای به نام (وزارت آموزش فنی و حرفه‌ای) را مطرح کردند که مورد تصویب شورای انقلاب قرار نگرفت ولی لزوم سازماندهی و هماهنگی در این نوع آموزش منجر به ایجاد تحولاتی در زمینه آموزش‌های حرفه‌ای از جمله تشکیل شورای عالی هماهنگی آموزش فنی و حرفه‌ای کشور شد [44].

عمده ترین تحولات در این زمینه پس از پیروزی انقلاب عبارتند از:

**آموزش کاد:** پس از انقلاب اسلامی اجرای طرح کاد در شورای تغییر نظام به تصویب رسید و از سال 1361 در کلیه دبیرستان‌های پسرانه و از سال 1362 در دبیرستان‌های دخترانه به اجرا درآمد و بر طبق آن دانش آموزان هشت ساعت در هفته باید در کارگاه‌های بخش خصوصی، دولتی و یا تعاونی به آموزش حرفه‌ای بپردازند [44].

**مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای مورد توجه در این دوره:** با انجام اصلاحات ارضی در سال 1341 زمین‌ها از چنگ فئودال‌ها خارج شد و در اختیار سرمایه داران بزرگ و شرکت‌های خارجی قرار گرفت در نتیجه این امر موجب متلاشی شدن روستاها و روانه شدن نیروی کار ارزان و غیر متخصص به سوی شهرها شد. با توجه به اینکه نظام آموزشی کشور در سال 1345 تغییر پیدا کرد و به تبع آن مراحل تعلیماتی به سه دوره‌ی ابتدایی (پنج سال) راهنمایی تحصیلی (سه سال) و متوسطه (چهار سال) تبدیل شد. در دوره راهنمایی توجه به حرفه و شغل عملاً در قالب کتاب درسی حرفه و فن برای دختران و پسران در نظر گرفته شده بود و این امر آنها را برای تربیت حرفه‌ای آماده می‌کرد و دانش آموزان متناسب با استعداد و توانایی خود، مشاغل مربوطه را پس از پایان سوم راهنمایی انتخاب می‌کردند و این یعنی در این دوره ی تربیت حرفه‌ای، مؤلفه‌ی کارآفرینی، کار و آینده‌نگری، مسئولیت پذیری و توجه به شغل و جایگاه آن در جامعه مورد توجه بوده است.

بر اساس آخرین تغییرات نظام آموزشی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، دوره‌ی متوسطه به دو شاخه ی فنی و نظری تقسیم می‌شد که شاخه‌ی نظری در سال اول به دو گروه علوم ریاضی و تجربی و همچنین علوم انسانی تقسیم می‌شد. با توجه به اهمیت شاخه فنی به خصوص در استان‌ها، دانش آموزان به سوی رشته‌های فنی گرایش پیدا کردند. می‌توان گفت در این دوره پیوند بین اندیشه و کار و دوری از بیکاری، حمایت از صاحبان حرفه و شغل و تضمین آزادی برای صاحبان حرفه و کسب مهارت‌ها برای رفع نیازهای فردی و اجتماعی از مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای بوده است.

همچنین در این دوره با توجه به افزایش دبیران تربیت فنی و حرفه‌ای و جایگاه والای آن در نظام آموزشی، توجه به محیط کار به عنوان یک سازمان یادگیرنده و توجه به نقش آموزش‌های مهارتی در کنار تغییرات فناوری از مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای مورد توجه بوده است. همین طور با توجه به این که پس از



جدول شماره 3. مبانی فلسفی تربیت حرفه‌ای در دوره سوم

Table 3. Philosophical principles of vocational education in the third period

The ruling philosophy	The ruling philosophy	Propositions	The impact of each of the propositions affecting vocational education in this period
Realism	Ontology	The world has a material dimension, there is no matter. God does not exist, if it exists, is not verifiable.	A comprehensive view of work and profession is viewed as an immaterial value.
	Epistemology	Cognition Tools: Wisdom, Sensation, Heart. Although reason can play a more important role.	In vocational education, all means of cognition (wisdom, senses, heart) are used
	Anthropology	Man is a bio-social being. It has no soul, if it is, such a soul can not be proved to man,	He chooses a vocational education with his will and authority.
	Valorisation	Values are relative and changing	In vocational education, the teacher's task is to introduce values to the students and give students the necessary information about that value.
Naturalism	Ontology	The world is real. The world has material and non material dimensions. God exists.	In vocational education, the look is not only materialistic, but also spiritual.
	Epistemology	The tools are the senses, the wisdom, the heart and the witnesses.	In vocational education, instruments of cognition, senses, wisdom, and heart and intuition are used.
	Anthropology	Man has body and soul. Human nature has a special status.	In vocational education, a career is tailored to suit their talents and abilities.
	Valorisation	What is compatible with human nature is worthwhile.	The task of the teacher and coach is to take care of the nature of the students.
Pragmatism	Ontology	The phenomena are constantly changing, and therefore the only reality is the reality.	In vocational education, he thinks that he believes in God is profitable in his career and work.
	Epistemology	Only a valuable cognition that leads to practical results.	Involves a comprehensive vocational education in dealing with a chain of practice.
	Anthropology	Involves a comprehensive vocational education in dealing with a chain of practice. Because of the relative value of the words, the meaning of the ultimate value is meaningless.	In vocational education, the inclusive mind has the ability to log into cleverly solving issues.
	Valorisation		The task of the teacher is to make the students feel valuable to themselves.

پیروزی انقلاب اسلامی تغییرات بسیاری در سطح برنامه‌ریزی دستگاه‌ها صورت گرفت. تربیت حرفه‌ای در وزارت آموزش و پرورش شخصیت مستقلی یافت و این باعث شد که توجه به فرهنگ کار و کارآفرینی در جامعه بیشتر مورد توجه قرار گیرد و در نتیجه توجه به تربیت حرفه‌ای و توجه به برنامه‌های توسعه و تربیت نیروی ماهر (درک و فهم اقتصادی و حرفه‌ای) از مؤلفه‌های دیگر تربیت حرفه‌ای در این دوره بوده است.

### فلسفه غالب بر تربیت حرفه‌ای در این دوره: نظام تربیت

حرفه‌ای ایران در این دوره از مفروضه‌های فلسفی، رئالیسم و ناتورالیسم و پراگماتیسم تأثیر پذیرفته است. در این دوره علوم طبیعی به جای مواد ادبی محض در برنامه تحصیلی، مهم تلقی شده و در برنامه درسی گنجانده شده است. در نظام آموزشی بر علاقه و رغبت، کوشش یادگیرنده و بر فهم قضاوت و همچنین به صورت عادت درآمدن آموخته‌ها تأکید می‌شود. همچنین توجه به سازمان گذشته و تحلیل و برخورد با مسائل روز (نقش حرفه و علوم در زندگی بشر و تأثیرگذاری آن‌ها بر ارزش‌ها؛ مثل زراعت و هنر در زندگی انسان از ویژگی نظام آموزشی در این دوره است که با رئالیسم (واقع‌گرایی) منطبق است. در این دوره نقش دبیران فنی و حرفه‌ای تربیت کارآموزان ماهر بوده است. می‌خواستند آن‌ها آنچه در نظریه خوانده‌اند در عمل نیز آن را پیاده کنند. این گونه استنباط می‌شود که فلسفه غالب دیگر بر تربیت حرفه‌ای در این دوره ناتورالیسم (طبیعت‌گرایی) است. چون در این دوره به حواس انسان به عنوان مهم‌ترین وسیله برای کسب معرفت تأکید می‌شود. توجه به طبیعت فراگیران و توجه به حال کودک بیش از آینده او مورد توجه است. در این دوره نقش معلمان به عنوان راهنما عمل می‌کنند و نه به عنوان دستور دهنده. توجه به تربیت بدنی و حواس در این دوره از ویژگی‌های تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی است. همین‌طور شرکت مؤثر فراگیران در فعالیت‌ها برای شناخت ارزش‌ها و بکارگیری آن‌ها، آموزش مختلط پسر و دختر و رعایت نیازهای سنی فراگیران از ویژگی‌هایی است که در این دوره به آن‌ها تأکید شده که با ویژگی‌های مکتب ناتورالیسم منطبق می‌باشد.

### 3-4. پاسخ سؤال چهارم

#### 4- تربیت حرفه‌ای ایران از سال 1367 تا کنون تحت

#### تأثیر کدام مفروضه‌های فلسفه‌ای بوده است؟

اهداف تربیت حرفه‌ای در طرح تغییر نظام متوسطه (1369) به شرح زیر مطرح شده است:

• اعتلای سطح فرهنگ و دانش عمومی

• شناخت بهتر استعدادها و علاقه دانش آموزان

• ایجاد زمینه مناسب برای هدایت آنان به سمت

اشتغال مفید و احراز آمادگی برای ادامه تحصیل عالی

تر علمی - کاربردی

• اعتلای سطح فرهنگ

• شناخت بهتر استعدادها

در این طرح، تربیت نیروی انسانی در سطح نیمه ماهر و ماهر و استادکار و سرپرست مورد نیاز بخش‌های صنعت و خدمات کشاورزی براساس نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به نحوی که هر یک از افراد شاغل یا متقاضیان اشتغال در جامعه برای کاری که انجام می‌دهند یا داوطلب انجام آن هستند، دانش و مهارت کافی کسب کنند، مد نظر قرار گرفته است. یکی از مشکلات اساسی در حوزه محتوایی تربیت حرفه‌ای در این دوره نبود استانداردهای ملی حرفه‌ای و شغلی است که توافق ارائه دهندگان آموزش فنی و حرفه‌ای و متولیان بازار کار از قبیل صنوف، اتحادیه‌ها و ... را در بر داشته باشد. ضرورت استاندارد-های ملی نیز از جهت دیگر مورد اهمیت است که مشارکت ذینفعان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را موجب می‌شود. در استانداردهای ملی حرفه و شغل وظایف و کارهای شغل مورد انتظار در سطوح مختلف مهارتی بیان می‌شود که بر اساس آن برنامه ریزی درسی توسط ارائه دهندگان آموزش هدایت می‌شود.

به دلیل اهمیت و پر هزینه بودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طرفی و تنوع آموزش‌ها و ارائه دهندگان آن از طرف دیگر، ضرورت یک نظام و سامانه تضمین و کنترل کیفیت در آموزش-های فنی و حرفه‌ای که بتواند شاخص‌های کیفیت را پایش، اندازه‌گیری و ارزیابی کند کاملاً احساس می‌شود. در کشورهای گوناگون در دهه‌های اخیر مراکز ملی تأسیس شده است که این هدف مهم را پیگیری و مورد بررسی قرار می‌دهند. در برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور (72-1368) نیز ویژگی‌هایی برای آموزش‌های حرفه‌ای که بیش از هر نوع آموزش دیگری متأثر از تحولات اقتصادی و اجتماعی است برشمرده‌اند. از جمله پراکندگی نامتناسب دستگاه‌های اجرایی و

ضعف سیاست‌گذاری و مدیریت عالی، روند کاهش آموزش‌های غیررسمی، رشد سریع دوره‌های کردانی در مقایسه با آموزش عالی و متوسطه فنی و حرفه‌ای و رشد کند آموزش‌های حرفه‌ای در مقایسه با آموزش عمومی. با بررسی و مطالعه هدف‌های تغییر نظام متوسطه و طرح‌های اجرا شده در این دوره ادعا این است که در این دوره مؤلفه‌های کارآفرینی، بهره‌وری و فناوری اطلاعات مورد توجه بوده است.

**طرح کاد و انحلال آن:** یکی از طرح‌های تحول تربیت حرفه‌ای در این دوره برنامه آموزش «کار» و «دانش» موسوم به طرح «کاد» که در سال 1361 بدون آزمون (تست) اولیه، در کلیه دبیرستان‌های کشور به طور گسترده و فراگیر اجرا شد. طرح کاد بر مبنای زیر استوار بود:

الف- ترمیم ضعف عمومی تخصص، مهارت و دانش فنی فارغ التحصیلان

ب- ایجاد زمینه برای حضور فعال در بازار کار کشور از طریق کسب دانش فنی کاربردی

ج- افزایش بهره‌وری دانش آموزان بوسیله آموزش‌های عملی

د- بهبود روابط اجتماعی دانش آموزان با محیط بیرونی و آماده-سازی آنان برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی

ه- نیاز به توسعه صنعتی و کمبود نیروی انسانی ماهر و متخصص بویژه در سطح تکنسین [45].

از اجرای طرح کاد به دلیل عدم تعامل جدی با بخش صنعت و داشتن رویکرد سنتی توفیقی حاصل نشد. لذا بنابر پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش در سال 1364، شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش به منظور انجام بررسی‌های لازم و ارائه طرح پیشنهادی نظام آموزش و پرورش به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. حاصل بررسی‌ها، نظر خواهی‌ها، بازدیدها و بحث تبادل نظر با کارشناسان و متخصصان به صورت (کلیات نظام جدید آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران) در تیرماه 1368 به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. در کلیات مربوطه، ضمن اشاره به اهمیت آموزش دوره‌ی متوسطه و بیان نارسایی‌های موجود، نظام جدید آموزش متوسطه به منظور برون رفت از نارسایی‌های فوق، تدوین و مقرر گردید که در طول هفت سال از سال 1370 به اجرا در آید و سال 1377 تعمیم کامل اجرای طرح باشد. براساس مفاد این طرح، آموزش‌های حرفه‌ای در دوره‌ی متوسطه در دو شاخه فنی و حرفه‌ای و کردانش به اجرا در می‌آید. شاید تعطیلی طرح کاد (آموزش نسبتاً اجباری فن آموزی دانش آموزان) با تغییر نظام جدید آموزش متوسطه همزمان شده است اما شکست این طرح زودرس‌تر از انحلال آن

بوده است. ارزیابی کارکرد طرح «کار و دانش» به این یافته می-انجامد که این طرح نتوانسته کمکی به نظام آموزشی و اصلاح ساختار آن نماید. فقدان یک سیستم نظارتی پویا و مناسب، انتزاع از ساختار نظام آموزشی، ابهام در هدف رفتاری فراگیران، نامشخص بودن موضوع و مواد آموزشی، تخصیص نامناسب زمان درسی (وقت سوخته و اندکی)، نبود معیاری برای ارزیابی استاندارد آموزش فنی و حرفه‌ای، فقدان یک نظام ارزشیابی، ... همه از جمله مواردی به شمار می‌روند که زیربنای طرح کاد و عدم کارایی و اثربخشی آن را با سؤالات متعدد روبرو می‌ساخت. به هر حال، این طرح در سال 1374 خاتمه یافته و در نظام جدید متوسطه هضم شد [46].

با توجه به تغییرات نظام آموزشی در سال 1367 و تصویب آیین نامه همکاری وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مراکز تولیدی و آموزشی در اجرای شاخه کاردانش مشارکت وزارت آموزش و پرورش با سازمان‌های دولتی و خصوصی افزایش یافته است. به طوری این امر باعث تعامل و تبادل نیروی کار بین دستگاه‌های مختلف شده است. ادعا این است که در این دوره از مؤلفه‌های تربیت حرفه‌ای نظیر تغییرات شغلی (فناوری اطلاعات)، درک و فهم اقتصادی، بالا بردن مقام تربیت شغلی و دوری از بیکاری (کارآفرینی) مورد توجه قرار گرفته است. هدف کلی از تربیت حرفه‌ای، تربیت نیروی انسانی در سطوح نیمه ماهر، ماهر و استادکاری و سرپرستی برای بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات بوده است. توسعه همکاری با وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و مؤسسه‌های تولیدی و خدماتی دست اندر کار در امر تربیت حرفه‌ای، یکی از اهداف تربیت حرفه‌ای بوده است. در این دوره با توجه به نیازهای جامعه، تربیت انسانی مورد توجه خاصی قرار داشته است. رشته‌ها تخصصی‌تر می‌شود و افراد تربیت یافته در گرایش‌های مختلف مهارت‌های لازم را کسب می‌کنند و همین طور توجه به تولید و کسب و کار داخلی عنایت ویژه‌ای می‌شود.

در این دوره با توجه به اهمیت شاخه کار دانش و همچنین توجه به دروس عملی می‌توان گفت فلسفه غالب عملگرایی بوده است. توجه به انگیزه‌ها و استعداد فطری افراد، اعتقاد به دموکراسی و به فردیت او، اهمیت به روش بیش از هدف از ویژگی‌های حاکم در نظام آموزشی این دوره است. در نظام آموزشی زندگی به وسیله زندگی کردن آموزش داده می‌شود. در مجموع هدف تربیت حرفه‌ای در این دوره پیشرفت زندگی دموکراتیک و زندگی اجتماعی است. دانش در خدمت رشد و پیشرفت، دانش به صورت یک فرایند زندگی یادگیری، تأکید بر یادگیری فعال

و جالب برای دانش آموزان از اهداف تربیت حرفه‌ای نظام آموزشی در این دوره است. معلم در این دوره به عنوان یک راهنما برای مسأله و تحقیق علمی است. علایق دانش آموز، کاربرد مسائل امور انسانی، موضوعات درسی میان رشته‌ای، فعالیت‌ها و طرح‌ها از جمله برنامه‌های درسی مورد تأکید در این دوره است. در این دوره بر برنامه درسی مناسب، آموزش و پرورش انسان‌گرا، آموزش‌های آزاد و متنوع در گرایش‌های برنامه درسی تأکید ویژه‌ای می‌شود. توجه به طرح کاد و نگاه به مدرسه به عنوان نمونه‌ای از جامعه کوچک از ویژگی‌های بارز تربیت حرفه‌ای در این دوره است که با فلسفه پراگماتیستی منطبق است. برنامه‌های درسی هم شامل انواع شناخت‌ها و مهارت‌های ضروری برای زندگی است. در این دوره تربیت حرفه‌ای با توجه به طبیعت فراگیران و با ارائه فرصت‌ها و امکانات مناسب در نظر گرفته می‌شود و نظام آموزشی در این زمینه فراگیران را با مسائل و مشکلات عملی در زندگی مواجه می‌کند تا شخصاً درباره آن‌ها بیاندیشند و برای حل آنها بکوشند.

جدول شماره 4 مبانی فلسفی تربیت حرفه‌ای در دوره چهارم

Table 4. Philosophical principles of vocational Education in the Fourth Period

The ruling philosophy	Propositions	The impact of each of the propositions affecting VET in this period
Ontology	In this evolving world, experiencing problems are solved. Experience is nothing but interaction with the environment. This experience creates knowledge. Truth is also a trait for knowledge	In inclusive VET, he must solve his problems by using experience, not through mental affairs.
Epistemology	Man is able to succeed in using his intelligence and scientific method in his socio-economic problems.	In comprehensive vocational education, only knowledgeable through senses is known.
Anthropology	Valuation occurs when conflicts occur between the preferences and the human needs.	In developing a comprehensive career for the continuation of human life, it must work through interaction with the natural environment to solve problems and transform.
Valorisation		In vocational education, the teacher's task is to introduce the way of forming the values that are formed between the preferences and desires of human beings.

Fourth period

Pragmatism

#### 4. نتیجه‌گیری

عملگرایی، لیبرالیسم و سودگرایی بوده است. بنابراین چنین استنباط می‌شود که برنامه ریزی و اجرای برنامه‌های تربیت حرفه‌ای با کاستی‌های فراوان همراه بوده است و با تداوم این وضع نمی‌توان به موفقیت این برنامه‌ها در آینده امید بست. چون هر نظام تربیت حرفه‌ای نیازمند فلسفه‌ای است تا به کمک آن به سؤالاتی در زمینه چیستی و چرایی تربیت حرفه‌ای پاسخ‌های اساسی و بنیادین بدهد. بر اساس پیش فرض مطالعه حاضر، تربیت حرفه‌ای کارآمد یکی از بنیادی‌ترین راه‌ها برای تحقق برخی هدف‌های هر نظام آموزشی است، و داشتن فلسفه روشن و چارچوب نظری معین برای تربیت حرفه‌ای، یکی از نخستین اقدامات بنیادی در تحقق هدف تربیت حرفه‌ای کارآمد است. همان طور که در این پژوهش بیان شد، و مرور پیشینه نظری و عملی پژوهش در ایران نیز نشان می‌دهد، نظام آموزشی کشور به طور مشخص فاقد فلسفه اعلام شده تربیت حرفه‌ای بوده است. روشن نبودن فلسفه تربیت حرفه‌ای، یک خلاء در هر نظام آموزشی محسوب می‌شود. روشن است که دارا بودن پشتوانه فلسفی به تنهایی کافی نیست، بلکه ثبات و سیاست‌های مالی دولتی نیز می‌تواند به موفقیت طرح‌های تربیت حرفه‌ای کمک نماید.

مطالعه اسناد آموزش و پرورش و نتایج پژوهش نشان داد، در دوره اول تقسیم بندی ادوار تاریخی (1290-1230 ه- ش) می‌توان ادعا کرد فلسفه غالب بر تربیت حرفه‌ای در این دوره، مکاتب فلسفی پراگماتیسم، لیبرالیسم و سودگرایی بوده است. در دوره دوم تقسیم بندی تاریخی ادوار تربیت حرفه‌ای نظام آموزشی ایران (1290-1343 ه- ش) فلسفه غالب بر تربیت حرفه‌ای پراگماتیستی بوده است. در دوره تاریخی سوم تربیت حرفه‌ای (1343-1367 ه- ش) فلسفه غالب بر تربیت حرفه‌ای در این دوره، پراگماتیسم، رئالیسم و ناتوریسم بوده است. فلسفه غالب در دوره تاریخی چهارم این پژوهش (از سال 1367 تا کنون) فلسفه غالب عملگرایی بوده است. همچنین توجه به طرح کاد و نگاه به مدرسه به عنوان نمونه ای از جامعه کوچک از ویژگی‌های بارز تربیت حرفه‌ای در این دوره است که با فلسفه پراگماتیستی منطبق است. به طور خلاصه بررسی مبانی فلسفی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که روح حاکم بر فلسفه تربیت حرفه‌ای در نظام آموزشی ایران، متأثر از چند مشرب فلسفی است که در برخی از مبانی ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی، با فلسفه تربیتی اسلامی تفاوت دارند. عمده‌ترین این مکاتب،

#### مراجع

[7] Navidi, A., & Barzegar, M. (2012). Assessment of technical and vocational education courses. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 42, 161- 181.

[8] Bagheri, K. H. (1998). Vocational Education in the context of Islam. *Journal of the Howzeh and University*, 14 & 15, (14-15); (46-61).

[9] Ghasemi, A. (1965). Impact of education on economic and social development. *Journal of Social Sciences Issues of Iran*, 30 & 31, 196- 200.

[10] Motahari, M. (1989). *A commentary on the economic system of Islam*. Tehran: Sadra.

[11] Motahari, M. (1983). *Education in Islam*. Tehran: AlZahra.

[12] Cardan, A. M. (2002). *Educational voters in the West*. Tehran: Samt.

[13] Ahmadpour Daryani, M. (2000). *Entrepreneurship, Definitions, theories, patterns*. Tehran: Pardis.

[14] Imani, M. N., Asheghi, M., & Azarakhsh, T. (2009). *Entrepreneurship*. Tehran: Cultural Green.

[15] Sadri Afshar, G. H. H. (1994). *Modern Persian culture*. Tehran: Word.

[16] Abtahi, H., & Kazemi., B. (1996). *Efficiency*. Tehran: Institute for Business Studies and Research.

[1] The Supreme Council of the Cultural Revolution (2011). *The document of the fundamental development of the education of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution.

[2] Khallaghi, A. A. (2009). *Theoretical model for vocational and economic education in the education system of the Islamic Republic of Iran: Drafting a National Education Document*, Committee for Theoretical Studies, Secretariat of the Supreme Council of Education. Tehran: Ministry of Education.

[3] Louise, M., & Greville, R. (2004). *Vocational education through open and distance learning*. London: Routledge.

[4] Chapel, C. (1998). *Teachers identistes new times*. London: Routledge.

[5] Winch, C. H. (2014). The attractiveness of Technical and Vocational Education and Training (TVET). *Journal of Philosophy of Education*, 47, 20-37.

[6] UNESCO (1973). *Technical and vocational teacher education and education*. Paris: UNESCO.



- [30] Attariyan, N., Mohtashamipour, M. (2004). *Study of the status and factors related to the employment of graduate students Kardanesh in Khorasan province and Mashhad city*. Mashhad: Education Department of Khorasan Province.
- [31] Carl, D. (2001). *Dual system of vocational education of the Federal Republic of Germany*. (Office of Scientific and International Cooperation of the Ministry of Education). Tehran: Ministry of Education.
- [32] David, H. (1960). *Education and man power*. New York: Colombia University.
- [33] Khallaghi, A. A. (2003). Features of the Australian Technical and Vocational Education System, lessons on reforming Iran's technical and vocational education. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 5, 67-84.
- [34] Mohammad Ali, M., & Sarraf, H. (2009). *Report on the current status of vocational education and education in Iran and some developed countries*. Tehran: Office of Social Studies Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
- [35] The Supreme Council of the Cultural Revolution (2010). *Educational systems of the world*. Tehran: Secretariat of the Supreme Council of the Cultural Revolution.
- [36] Saffar Heydari Sabet, H. (1991). *Comparative study of technical and vocational education in Iran and Japan*. Tehran: Tarbiat Modares University.
- [37] Haeri, A. H. (1989). *The first dreams of thinkers in Iran*. Tehran: Amir Kabir.
- [38] Motazed, K. H. (1990). *Haj Amin alZarb and the history of trade and investment in Iran*. Tehran: Janzadeh.
- [39] Omid, H. (1953). *History of Azarbaijan culture*. (Vol: 1). Tabriz: Azarbaijan Culture.
- [40] Students of Karaj Falahati Faculty (1936-1937). *The Yearbook of Falahati Scientific Institutions of Karaj*. Tehran: Faculty of Falahati Karaj.
- [41] Kasravi, A. (1977). *Constitutional History of Iran*. Tehran: Amir Kabir.
- [42] Khaghani, A. (1973). *A Study of the developments in Iranian education*. Tehran: Institute for Social Studies and Research, Faculty of Social Sciences and Cooperatives.
- [43] Sedigh, E. (1957). *History of Iranian culture*. Tehran: Tehran University.
- [44] Vice-Chancellor for Technical and Vocational Education, Commercial and Vocational Education Office (1981). *Understanding the need for Education*. Tehran: Ministry of Education.
- [45] Sedigh, E. (1937). *Brief history of education*, Tehran: Roshanaee.
- [17] Roshani Zafranloo, G. H. A. (1975). *Amir Kabir and Dar Al Fonoun*. Tehran: Tehran University.
- [18] Adamiyat, F. (1976). *Amir Kabir and Iran*. Tehran: Kharazmi.
- [19] Ziba Kaklam Mofrad, F. (1985). *Comparative and comparative study of technical and vocational education in Iran and India*. (Unpublished doctoral dissertation). Tehran University, Tehran.
- [20] Saffar Heydari Sabet, H. (1991). *Comparative study of technical and vocational education in Iran and Japan*. Tehran: Tarbiat Modares University.
- [21] Marjaneh, B. (2002). *Review and critique the foundations of epistemology of Vocational Education in Iran and compare it with the new epistemology of New Vocationalism*. (Unpublished doctoral dissertation). University of Tehran, Tehran.
- [22] Jamalfar, S. (1987). *Vocational education; orientation and attitude of students in the education of East Azarbaijan*, Tbriz: Education Department of East Azarbaijan Province.
- [23] Seafi, M. R (1992). *The relationship of formal and technical vocational education with the employment of graduates from 1963 to 1999 in Markazi province*. Arak: Ministry of Education of the Markazi province.
- [24] Binaeian Sefid, M. (1993). *The relationship of formal and technical vocational education with the employment of graduates from 1984 to 1988 in the province Semnan*. Semnan: Department of Education of Semnan Province.
- [25] Karimi, N. (1994). *The relationship of formal and technical vocational education with the employment of graduates and graduates from 1984 to 1988 in West Azarbaijan province*. Orumieh: Education Department of West Azarbaijan Province.
- [26] Nazari, H. (1993). *The relationship of formal and technical vocational education with the employment of graduates and graduates of 1984-1988 in Zanjan province*. Zanjan: Education Department of Zanjan Province.
- [27] Ghorban Hosseini, M. (1995). *Causes of not attracting graduates of technical and vocational schools in their respective occupations* (Unpublished master's thesis). Allameh Tabatabaee University, Tehran.
- [28] Nawabakhsh, H. (1991). *Quantitative and qualitative indicators of the technical and vocational education of Isfahan province in the years 1983-1989, and the regional estimation of trainers in the first program* (Unpublished master's thesis). University of Isfahan, Esfahan.
- [29] Takmil Homayoun, G. H. H. (1998). The status of today's kardanesh. *Look at Education Events*, 9, 161-165.



[46] Plan and Budget Organization (1989). *The Law on the First Program of Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran (1989-1999)*. Tehran: Islamic Consultative Research Center.

Im Press